

پیام تسلیت رئیس‌جمهور در پی درگذشت پدر شهیدان پورزند

رئیس‌جمهور درگذشت مرحوم حاج‌احمد پورزند، پدر بزرگوار و سرافراز سه شهید والامقام دوران دفاع مقدس، شهیدان ایرج، سیروس و شاهین پورزند، از شهدای ورزشکار کشور را به خانواده محترم آن مرحوم و بستگان معززایشان تسلیت گفت.

دکتر مسعود پزشکیان در پیام خود اظهار کرد: این شهیدان گرآنقدرکه ازافتخارآفرینان کشتی‌کشوربودند، در اوج جوانی با شجاعت و ازخودگذشتگی در پاسداری از میهن اسلامی، جلوه‌ای درخشان از پیوند فرهنگ پهلوانی با فرهنگ ایثار و شهادت را به نمایش گذاشتند و نام خود را در زمره فرزندان پرافتخار این سرزمین جاودانه ساختند.

رئیس‌جمهور افزود: بی‌تردید عزت و اقتدار امروز ایران اسلامی موهون صبوری و استقامت چنین پدران‌ی است که با ایمان و اخلاص، عزیزترین سرمایه‌های خود را در راه دفاع از استقلال و کیان کشور تقدیم کردند.

■ ■ ■

سفر مجدد وزیر کشور پاکستان به تهران

سیدمحسن رضا نقوی، وزیر کشور پاکستان، دیروز در سفر دیگری به تهران آمدو ازسوی همتای ایرانی خودمورد استقبال قرارگرفت.

وزیر کشور پاکستان در فروردین امسال همراه فرمانده ارتش کشورش سفر رسمی به تهران انجام داده بود. وی سپس دوسفررسمی دیگر دراواخراردیبهشت واول خرداد به ایران انجام داد. نقوی در دو سفر اخیر خود در تهران با دکتر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، دکتر محمد باقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه و همچنین اسکندر مومنی همتای خوددیدار کرد.

■ ■ ■

نماینده ایران در شورای حکام:

نباید حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان، عادی سازی شود

هیات ایرانی در نشست ویژه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با محکوم کردن حملات آمریکا و رژیم‌صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران، خواستار اتخاذ سیاست «تحمل صفر» در برابر چنین اقدامات و تهدیدهایی شد و هشدار داد عادی‌سازی حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز، نظام عدم‌اشاعه و امنیت بین‌المللی را با خطر جدی مواجهه می‌کند.

هیأت جمهوری اسلامی ایران روز جمعه در نشست ویژه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حملات انجام‌شده علیه تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران را «گسترده‌ترین و بی‌سابقه‌ترین» حملات علیه چنین مراکزی در تاریخ آژانس توصیف کرد و خواستار واکنش قاطع جامعه بین‌المللی شد.

نمایندگی ایران با اشاره به سوابق آژانس در محکومیت حمله رژیم‌صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای عراق در سال ۱۹۸۱، یادآور شد که شورای حکام و کنفرانس عمومی آژانس در قطعنامه‌های متعدد، هرگونه حمله یا تهدید علیه تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان را مغایر منشور سازمان ملل، حقوق بین‌الملل و اساسنامه آژانس دانسته‌اند. در این بیانیه آمده است که آمریکا و رژیم‌صهیونیستی در جنگ‌های ۱۲روزه و رمضان، در مجموع ۱۷ موج حمله علیه تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران انجام داده‌اند که یکی از خطرناک‌ترین این حملات در نزدیکی نیروگاه هسته‌ای بوشهر و در فاصله حدود ۳۵۰ متری از کُتور این نیروگاه رخ داده و تلفات انسانی نیز به همراه داشته است.

نمایندگی ایران با اشاره به هشدار مدیرکل آژانس درباره پیامدهای احتمالی حمله مستقیم به نیروگاه بوشهر تأکید کرد چنین اقدامی می‌توانست به انتشار گسترده مواد رادیواکتیور در محیط منجر شود.

هیأت ایران همچنین هشدار داد این حملات اهداف و اصول معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) و اساسنامه آژانس را تضعیف کرده و اعتبار نظام جهانی عدم‌اشاعه، به‌ویژه نظام پادمان‌های آژانس را زیر سؤال می‌برد.

نمایندگی ایران از کشورهای عضو خواست با پرهیز از سیاسی‌کاری، رویکردهای گریشی و استاندارد‌های دوگانه، مانع عادی‌سازی حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان شوند و در صورت لزوم، قواعد بین‌المللی جدیدی برای ممنوعیت مطلق هرگونه حمله یا تهدید علیه این تأسیسات تدوین کنند.

بامداد شنبه بار دیگر تنگه هرمز به کانون تنش‌های نظامی و ژئوپلیتیکی منطقه تبدیل شد؛ آبراهی که طی دهه‌های گذشته نه‌تنها شاهراه انتقال انرژی جهان، بلکه نماد اقتدار ملی ایران و یکی از مهم‌ترین نقاط اصطکاک میان تهران و واشنگتن از دوره جنگ تحمیلی سوم بوده است. تحولات جدید در تنگه هرمز از نگاه بسیاری از ناظران صرفاً یک درگیری نظامی محدود نیست، بلکه بخشی از نبرد اراده‌ها میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا بر سر اعمال حاکمیت، امنیت و نظم راهبردی در حساس‌ترین گذرگاه دریایی جهان محسوب می‌شود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بامداد شنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ساعت ۱:۳۰ بامداد امروز چهار فروند نفتکش متخلف با تحریک و هدایت ارتش متجاوز آمریکا بدون هماهنگی و بدون توجه به اخطارهای مکرر نیروی دریایی سپاه، قصد خروج غیرقانونی از تنگه هرمز را داشتند که پس از اخطار، یکی از نفتکش‌ها مورد هدف واقع و متوقف شد و دیگر شناورهای متخلف به عقب برگشتند.» بر اساس این بیانیه، یک ساعت بعد و در ساعت ۲:۳۰ بامداد، پهپادهای آمریکایی دو دکل مخابراتی و راداری در جزیره قشم و منطقه سیریک را هدف قرار دادند. سپاه در ادامه اعلام کرد: «در پاسخ به تجاوز ارتش کودک‌کش آمریکا بلافاصله دو پایگاه هوایی آمریکا در کویت به نام‌های علی‌السالم و تأسیسات مهم باقی‌مانده در ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین هدف آتش موشک‌های بالستیک نیروی هوافضای سپاه واقع شدند.»

در پایان این بیانیه هشدار داده شد: «در صورت تکرار این شرارت‌ها به پاسخ محدود اکتفا نخواهد شد» و مسئولیت هرگونه «بسته شدن کامل تنگه هرمز به روی خروج نفت و گاز» متوجه آمریکا خواهد بود.

واکنش وزارت امور خارجه: درخواست اقدام فوری سازمان ملل

همزمان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز با صدور بیانیه‌ای تعرض نظامی آمریکا به تأسیسات راداری و نظارت ساحلی ایران در سیریک و قشم را «نقض آشکار آتش‌بس ۱۹ فروردین و تجاوز نظامی

تقلای آمریکا برای خدشه وارد کردن به حاکمیت ایران در خلیج فارس و هرمز با دیوار سخت مقاومت نیروهای مسلح روبه‌رو شده است

تنگه هرمز؛ نماد غرور و تاب‌آوری



تنگه هرمز؛ فراتر از یک آبراه اقتصادی

اهمیت تحولات اخیر را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک درگیری نظامی محدود تحلیل کرد. تنگه هرمز برای ایران تنها یک مسیر دریایی نیست؛ بلکه نماد حاکمیت ملی، اقتدار، دریایی و توان بازاندزگی کشور در یکی از مهم‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان است.

بر اساس ارزیابی‌های راهبردی، اصرار آمریکا بر عبور دادن نمادین شناورها از تنگه هرمز بدون رعایت قواعد اعلامی ایران، بیش از آن‌که ماهیت عملیاتی داشته باشد، تلاشی برای جلوگیری از تثبیت عملی حاکمیت ایران بر این آبراه تلقی می‌شود. از این منظر، هرگونه تثبیت حاکمیت ایران بر تنگه هرمز ضربه‌ای راهبردی به تصویری است که آمریکا طی دهه‌های گذشته از خود به عنوان قدرت بلامنازع دریایی جهان ارائه کرده است.

دشمن پس از شکست در عرصه نظامی، به تغییر رفتار و عقب‌نشینی ایران در پرتو خطای محاسباتی دل‌پسته است

خطای محاسباتی ممنوع

با ظرفیت‌های واقعی کشور خواهد بود. در این میان، مسأله اعتماد به توان داخلی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. بخشی از محاسبات راهبردی کشور به ارزیابی ظرفیت مردم برای تحمل فشارها بازمی‌گردد. هر اندازه این ظرفیت‌ها دست‌کم گرفته شود، احتمال اتخاذ تصمیمات عجولانه و پرهزینه افزایش می‌یابد.

همچنین شناخت درست از اهداف و نیت‌های طرف مقابل نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. بدون درک دقیق از راهبرد دشمن، امکان غافلگیری و قریب خوردن افزایش پیدا می‌کند. به همین دلیل است که تحلیل صحیح رفتار آمریکا و متحدانش در شرایط کنونی اهمیت مضاعفی یافته‌است.

تنگه هرمز و صنعت هسته‌ای؛ خطوط اصلی نبرد

امروز بخش مهمی از فشارهای اعمال شده علیه ایران پیرامون دو مؤلفه راهبردی شکل گرفته است؛ نخست توان هسته‌ای کشور و دوم موقعیت ایران در تنگه هرمز. این دو موضوع صرفاً

در امتداد همین الگو قابل ارزیابی است. در هفته‌های گذشته مقاومت آمریکا در برابر قواعد حاکم بر تنگه هرمز عمدتاً در قالب درگیری‌های موضعی، عملیات ایدایی دریایی، حمله به برخی شناورها و هدف قرار دادن نقاط محدودی در سواحل جنوبی ایران نمود یافته است. در مقابل، راهبرد ایران بر افزایش هزینه این اقدامات برای طرف مقابل استوار بوده است؛ راهبردی که در ادبیات نظامی از آن به عنوان «پاسخ نامتقارن» یاد می‌شود. بر اساس این رویکرد، هرگونه اقدام علیه امنیت و حاکمیت ایران می‌تواند با پاسخ‌هایی فراتر از میدان مستقیم درگیری مواجه شود؛ پاسخی که صرفاً محدود به هدف قرار دادن پایگاه‌های نظامی آمریکا نیست و حوزه‌های متنوع‌تری را در بر می‌گیرد.

پیام راهبردی تهران به منطقه

بیانیه وزارت امور خارجه و هشدارهای سپاه یک پیام روشن نیز برای کشورهای جنوبی خلیج فارس دارد؛ این‌که استفاده از خاک، حریم هوایی یا امکانات آنها برای اقدامات نظامی علیه ایران، آنها را از پیامدهای بحران مصون نخواهد کرد. این همان منطقی است که طی سال‌های اخیر بارها از سوی مقامات ایرانی مطرح شده؛ این‌که امنیت خلیج فارس یک کل به‌هم پیوسته است و اگر امنیت و تمامیت ارضی ایران هدف قرار گیرد، دیگر بازیگران منطقه نیز نمی‌توانند انتظار مصونیت کامل داشته باشند.

تنگه هرمز؛ نماد غرور و تاب‌آوری ملی

آنچه از روند تحولات برمی‌آید این که تهران موضوع حاکمیت و تنگه هرمز را بخشی از امنیت ملی خود می‌داند و حاضر نیست حتی تحت فشارهای نظامی یا سیاسی از آن عقب‌نشینی کند. از سوی دیگر، آمریکا نیز این پرونده را بخشی از معادله بزرگ‌تر نفوذ و برتری دریایی خود در منطقه تلقی می‌کند. در چنین شرایطی، تنگه هرمز همچنان نه فقط یک آبراه راهبردی، بلکه نماد تقابل دو اراده و دو روایت متفاوت از نظم امنیتی در خلیج فارس باقی خواهد ماند؛ تقابلی که سرنوشت آن می‌تواند بر معادلات منطقه و حتی موازنه قدرت در سطح جهانی اثرگذار باشد.

پرونده‌هایی فنی یا اقتصادی نیستند، بلکه به‌طور مستقیم با توازن قدرت در منطقه ارتباط دارند؛ به همین دلیل هرگونه تصمیم درباره آنها باید در چارچوب منافع بلندمدت کشور مورد ارزیابی قرار گیرد. آنچه اهمیت دارد این است که تصمیم‌گیران کشور در فضای ناشی از فشارهای نظامی و اقتصادی، دچار شتاب‌زدگی یا خطای محاسباتی نشوند. در فضای جنگی، گاهی طرف مقابل تلاش می‌کند با افزایش هزینه‌ها، شرایطی ایجاد کند که تصمیمات مهم نه براساس منافع راهبردی، بلکه تحت تأثیر فشارهای مقطعی اتخاذ شود. از این منظر، حفظ دقت در محاسبات، شناخت درست از موقعیت کشور، ارزیابی واقع‌بینانه از توان داخلی و توجه به ارزش دارایی‌های راهبردی، مهم‌ترین نیاز امروز ایران است. هر اندازه دستگاه تصمیم‌گیری کشور بتواند تصویر دقیق‌تری از واقعیات میدان داشته باشد، احتمال شکل‌گیری پاس، تردید و اختلاف کاهش خواهد یافت و در مقابل، انسجام ملی و تاب‌آوری اجتماعی تقویت خواهد شد.

در نهایت، آنچه آینده این تقابل را تعیین می‌کند صرفاً تعداد موشک‌ها یا حجم فشارهای اقتصادی نیست، بلکه کیفیت محاسبات راهبردی طرفین است. در چنین شرایطی، بزرگ‌ترین سرمایه هر کشور نه فقط توان نظامی، بلکه توان تصمیم‌گیری صحیح در لحظات سرنوشت‌ساز خواهد بود.

همگی نشان می‌دهند که تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست بلکه یکی از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. از این منظر، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ایران باید شرایط تنگه هرمز را به وضعیت پیشین بازگرداند یا از ظرفیت‌های جدید ایجاد شده برای تأمین منافع ملی خود بهره بگیرد؟ پاسخ به این پرسش برای بسیاری از ناظران روشن است. ایران برای دستیابی به موقعیت کنونی هزینه‌های سنگینی پرداخته است؛ از شهادت فرماندهان و نیروهای نظامی گرفته تا خسارت‌های گسترده انسانی و زیرساختی. طبیعی است هر کشوری در چنین شرایطی تلاش کند دستاوردهای راهبردی حاصل از این هزینه‌ها را در خدمت منافع ملی خود قرار دهد.

علاوه بر این تجربه سال‌های گذشته نشان داده‌کشورهای غربی، علی‌رغم

همکاری‌های گسترده و امتیازاتی که از سوی ایران ارائه شده بود، نه‌تنها

از سیاست فشار و تحریم دست نکشیدند بلکه بر دامنه آن افزودند. اما

اکنون شرایط تاحدی تغییر کرده است. همان کشورهایی که پیشتر با ابزار

تحریم در پی اعمال فشار بر ایران بودند، بیش از گذشته نگران امنیت انرژی

و پیامدهای هرگونه بی‌ثباتی در خلیج فارس هستند. این تغییر وضعیت،

از شکل‌گیری یک اهرم مؤثر برای ایران حکایت دارد؛ اهرمی که می‌تواند در

محاسبات آینده بازیگران بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

با این حال، بهره‌گیری از چنین ظرفیتی نیازمند رویکردی هوشمندانه و

مسئولانه است. ایران باید به‌گونه‌ای عمل کند که ضمن حفظ و تقویت

منافع ملی خود، نگرانی‌های همسایگان و نیازهای مشروع اقتصاد

جهانی را نیز در نظر بگیرد. موفقیت راهبردی زمانی حاصل خواهد شد

که ایران بتواند تصویری از یک بازیگر باتدتمند اما مسئولیت‌پذیر ارائه

دهد؛ کشوری که از ابزارهای در اختیار خود برای دفاع از منافعش استفاده

می‌کند اما در عین حال از وارد کردن آسیب غیرضروری به کشورهای

غیرمتخاصم پرهیز دارد. در نهایت، تجربه جنگ اخیر نشان داد اهمیت

تنگه هرمز صرفاً در جغرافیا خلاصه نمی‌شود. این گذرگاه در پایی به یکی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی ایران تبدیل شده است که نحوه

مدیریت آن می‌تواند جایگاه ایران را در معادلات منطقه‌ای و جهانی